

## نقش غرب‌گرایان در تقابل‌سازی فرهنگی ایران باستان و اسلام در روزگار معاصر

\* مصطفی محسنی  
\*\* امیرمحسن عرفان  
\*\*\* امیر سیاهپوش

### چکیده

نوشتار پیش‌رو با هدف تبیین نقش غرب‌گرایان در تقابل‌سازی فرهنگی ایران باستان و اسلام در ایران معاصر پرداخته است. آسیب‌های جدی باستان‌گرایی افراطی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و مخصوصاً فرهنگی از جمله ایجاد تقابل فرهنگی بین ایران باستان و اسلام، ضرورت این بحث را به اثبات می‌رساند. بنابر یافته‌های این تحقیق، اکثر افرادی که به این مسئله دامن می‌زدند به نوعی مرتبط با غرب بودند. این افراد با تحریک دولت‌های غربی ابتدا به تزریق باستان‌گرایی در جامعه نخبگانی و جذب آنان اقدام کرده و سپس به القاء این تفکر با ترفندهای گوناگون در سطوح مختلف اجتماعی مبادرت ورزیدند. این تحقیق روش تبیینی - تحلیلی را در پردازش محتوا مبنای قرار داده است و بر حسب دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای است.

### واژگان کلیدی

باستان‌گرایی، غرب‌گرایان، تقابل‌سازی فرهنگی، اسلام و ایران، زرتشتیان هند، ناسیونالیسم رومانتیک آلمانی.

\* دانشجوی دکترای مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

awleya5tan@yahoo.com

erfan@maaref.ac.ir

siahpoosh@maaref.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

\*\* استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

\*\*\* استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

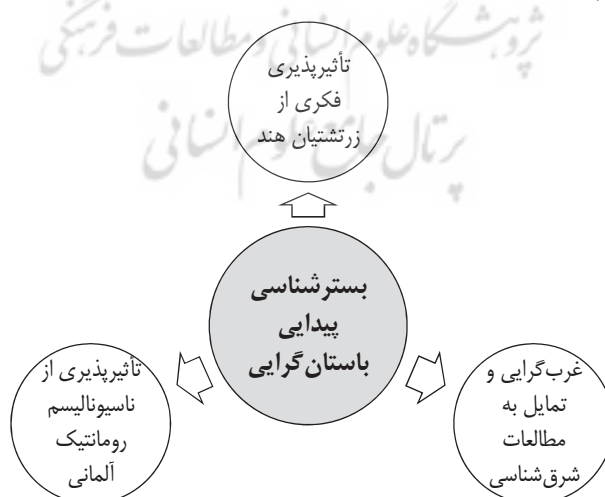
### طرح مسئله

گذشته تمدنی هر ملتی در استمرار حرکت تمدنی آن ملت نقش به‌سزایی دارد، بر این اساس تمایلات نظری و تاریخی در باب ایران باستان بسیار مهم است. در عقلانیت تمدنی اسلام در مواردی که تفاوت‌های فرهنگی در تضاد با چارچوب‌های دین قرار ندارند، به رسمیت شناخته می‌شوند. آئین اسلام به خلاقیت و نوآوری تمدنی ایرانیان کمک شایانی کرده که می‌توان از آن به خدمات متقابل ایران و اسلام نام برد.

در ایران معاصر جریان افراطی باستان‌گرا درصدد تمایزسازی ایران بعد از اسلام و ایران قبل از اسلام هستند. دوره معاصر در این نوشتار از اواسط قاجار یعنی سلطنت ناصرالدین شاه تا کنون را در بر می‌گیرد. آنان بر این باورند که آئین اسلام خلاقیت و نوآوری تمدن ایرانیان که نموده‌های آن در ایران باستان مشهود بوده را از بین برد. در این جریان افراطی اساساً اسلام در مقابل ایران باستان قرار می‌گیرد. این جریان از سه سوی وارد ایران شد که هر سه به غرب منتهی می‌شود. جهت اول زرتشتیان هند از جمله «مانکجی» و «اردشیرجی» که رابطه آنها با دولت بریتانیایی هند مخفی نیست، جهت دیگر منورالفکرها از جمله جلال‌الدین میرزا قاجار، فتحعلی آخوندزاده و ... که مستقیماً تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته بودند. و جهت سوم کسانی هستند که بعد از ظهور هیتلر متمایل به وی شدند.

بررسی تقابل‌سازی کاذب این جریان‌ها، در حوزه فرهنگ از آن جهت است که این حوزه به جهت تأثیر و تأثرات کلان در سطح جامعه، پایایی و ماندگاری فراوان و نیز عمق تأثیرگذاری حائز اهمیت است. بنابراین جریان مذکور بیشترین تلاش خود را در این زمینه معطوف کرده است. به هر روی معرفی این سه گروه و تبیین اقدامات فرهنگی آنان در این تقابل‌سازی از مهم‌ترین موضوعات قابل بررسی در این پژوهش است.

### نمودار بسترشناسی پیدایی باستان‌گرایی افراطی در ایران معاصر



### پیشینه پژوهش

در مورد باستان‌گرایی معاصر، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نگاشته شده که در خور تحسین هستند اما به تأثیرگذاری غرب و مشخصاً در اقدامات فرهنگی نپرداخته‌اند. البته مقاله‌ای با عنوان «آذرکیوانیان و تأثیر آنان بر باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران» توسط «عبدالرسول خیراندیش» و «حسین احمدی» به رشته تحریر در آمده است،<sup>۱</sup> اما این نوشتار نیز تنها به نقش آذرکیوانیان آن‌هم حوزه تاریخ‌نگاری پرداخته است.

### ضرورت‌شناسی

با آنکه این جریان به‌صورت گسترده در زمان قاجار، پهلوی و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت خود ادامه داده و تقابلی کاذب بین ایران باستان و اسلام ایجاد کرده است تا آنجا که بسیاری این تقابل را قطعی تلقی می‌کنند و برخی از جوانان و دانشجویان درگیر مباحث ایران باستان و اسطوره‌های آن شده و تصویری مبالغه‌آمیز از ایران باستان در ذهنشان ایجاد شده و نیز به نوعی مقابله با اسلام روی آورده‌اند چرا که اسلام از بین برنده آن تمدن معرفی شده است. اما با این همه شاید هنوز پاسخ روشن و علمی بر این تقابل‌سازی از سوی این جریان‌ها داده نشده است.

### تحلیل تأثیرگذاری غرب‌گرایان بر تقابل‌سازی

منظور از تقابل به معنای رویاروی شدن<sup>۲</sup> و منظور از فرهنگ در این نوشتار عبارت است از: «مجموعه‌ای از رفتارها، باورها، ارزش‌ها، نمادها، هنر، آداب و رسوم و عادات است. با این توصیف در تقابل فرهنگی مؤلفه‌هایی می‌ایستند که در حوزه رفتارها، باورها و ارزش‌ها قرار گیرند و این تقابل با ابزار فرهنگی از جمله هنر ساخته می‌شود.

آشنایی با افراد باستان‌گرای معاصر و راه‌های نفوذی آنها به ایران اگر چه به تبع تحركات قوم‌گرایی قرون اولیه اسلامی همانند (نهضت شعوبیه، قیام بابک خرم‌دین، قیام مازیار و ...) در نگاه اول بومی می‌نمایند اما ادله و شواهد فراوانی گواه بر عدم بومی بودن آن است. مسئله ناسیونالیسم، ابتدا در کشورهای اروپایی ظهور و از آنجا به نقاط دیگر سرایت کرد. سیاستمداران غربی از این پدیده استفاده کرده تا بر مستعمرات خود بیفزایند. اما وجود تعصبات و علایق دینی در این کشورها غلبه بر آنها را

۱. خیراندیش و احمدی، «آذر کیوانیان و تأثیر آنان بر باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران»، *تشریح تاریخ ایران*، ش ۷۰، ص ۳۲ - ۱.

۲. دهخدا، *نعت‌نامه*، ج ۵، ص ۶۸۶۶؛ اختریان، *فرهنگ فارسی به فارسی پیام*، ص ۵۱۱.

مشکل می‌کرد. یکی از راه‌های شکستن حصار محکم دین، پرداختن به باستان و طرح مفاخر قومیتی بود. در ایران از سه راه زمینه برایشان فراهم شد تا به تزریق باستان‌گرایی بپردازند که در این پژوهش به صورت اجمال به آنها پرداخته می‌شود.

### ۱. تأثیرپذیری فکری از پارسیان هندی

پس از تسلط بریتانیا بر هند در سده هجدهم میلادی، پارسیان این سرزمین خود را به انگلیسی‌ها نزدیک کردند.<sup>۱</sup> رابطه استعمارگران با آنان رابطه‌ای دوسویه بود. پارسیان با نزدیکی به انگلیسی‌ها از نظر اقتصادی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای نموده تا جایی که در سال ۱۲۵۲ ق - ۱۸۳۶ م در اتاق تجارت بمبئی همه اعضای ده نفره آن پارسی بودند.<sup>۲</sup> آنها از راه دلالتی بین غربی‌ها و هندی‌ها درآمد زیادی کسب کردند<sup>۳</sup> و از آنجا که به شغل صرافی نیز مشغول بودند به یهودیان هندوستان معروف شدند.<sup>۴</sup> انگلیسی‌ها نیز از آنها به عنوان ابزاری برای تسلط بر هند و ایران سود جستند. «سیر جرج بردوود» تصریح می‌کند به پارسیان متذکر شد اگر می‌خواهند تحت‌الحمايه دولت بریتانیا بمانند و از این راه سودی نصیبشان شود باید کاری برای ایران کنند. وی به پارسیان حکم می‌کند به ایران سفر کرده و به کمک برادران عقب‌مانده زرتشتی خود بشتابند.<sup>۵</sup> آنان با تأسیس «انجمن بهبودی حال زرتشتیان در ایران» بر آن شدند تا مبالغی را در راه رسیدن به منافع فرهنگی صرف کنند.<sup>۶</sup> این انجمن بنا بر دستور دولت بریتانیا افرادی را به ایران اعزام کرد تا خواسته‌های استعماری بریتانیا را تأمین کند. این افراد عبارت بودند از «مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا»،<sup>۷</sup> خسروچی (صاحب خان)، اردشیرجی و ... .

پدر مانکجی لیمجی در خدمت انگلیسی‌ها بود. مانکجی نیز به انگلیسی‌ها پیوست و رسماً تبعه دولت آنان شد.<sup>۸</sup> او همراه با «هنری پاتینجر»<sup>۹</sup> انگلیسی، اهالی افغانستان را علیه ایران تحریک کرد.<sup>۱۰</sup> در سال ۱۲۵۴ ق - ۱۸۳۸ م که انگلیسی‌ها کابل را از ایران جدا کردند مانکجی مسئول مالی آنان بود.<sup>۱۱</sup>

۱. گودوین، هندوستان، ص ۸۴ - ۸۳.

۲. هینل، پارسیان - بمبئی، دولت بریتانیا، ص ۱۶.

۳. پورداد، ایرانشاه (تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هندوستان)، ص ۲۳.

۴. اوانس، شورش هندوستان، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.

۵. حسینی طهرانی ادیب، روزنامه حبل‌المتین کلکته، ص ۱۹.

۶. اوبن، ایران امروز، ص ۳۰۸.

7. Manekji Limji Htaria.

۸. شهردان، فرزاتگان زرتشتی، ص ۶۳۲.

9. Henry Pattinger.

۱۰. فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ج ۱، ص ۱۸۲ - ۱۸۱.

۱۱. شهردان، فرزاتگان زرتشتی، ص ۶۲۱ - ۶۲۰.

وی پس از آن به ایران اعزام شد. او با دولتمردان ایرانی از جمله شخص ناصرالدین‌شاه ارتباط برقرار کرد و توانست «جزیه» مالیاتی که اقلیت‌های دینی می‌پردازند را نسبت به زرتشتیان لغو نماید.<sup>۱</sup> در لغو جزیه، دیپلمات‌های انگلیسی از جمله دو سفیر این کشور به نام‌های «سرهنری راولینسون»<sup>۲</sup> و «مستر رونالد تامسن»<sup>۳</sup> وی را یاری رساندند.<sup>۴</sup> به گفته جلال‌الدین میرزا اگر چه حضور مانکجی در ایران به ظاهر برای رسیدگی به امور زرتشتیان می‌نمایاند اما در پس آن، هدف اصلی وی پنهان و آن عرب‌زدایی از فرهنگ ایران بود.<sup>۵</sup>

پس از درگذشت مانکجی در سال ۱۲۶۹ ق - ۱۸۵۳ م کی‌خسرو جی (صاحب‌خان) از طرف این انجمن به ایران آمد، اما سه سال بعد از ورود به ایران درگذشت و انجمن اردشیرجی را به ایران فرستاد. پدر و جد اردشیرجی ریپورتر انگلیسی‌ها و گزارشگر روزنامه تایم بودند، به همین دلیل به اردشیر ریپورتر مشهور شد. وی برای تحصیل به انگلستان رفته<sup>۶</sup> تحصیلات را در رشته‌های سیاسی و تاریخ ایران باستان فراگرفت<sup>۷</sup> و پس از آن به ایران آمد و اهداف انگلیسی‌ها را در طول چهل سال در ایران دنبال کرد<sup>۸</sup> تا جائی که پس از بمباران مجلس در سال ۱۳۲۶ ق - ۱۹۰۸ م سید حسن تقی‌زاده نامه‌ای به اردشیر نوشته و از وی استمداد می‌جوید و بیان می‌کند که از کسانی که با انگلیسی‌ها در ارتباط هستند فقط او را می‌شناسد!<sup>۹</sup> خدمات وی به دولت بریتانیا تا آنجا بود که لقب «شوارلیه» را از این دولت اخذ کرد.<sup>۱۰</sup> وی احساسات وطن پرستی و احیای مفاخر ملی بین جوانان و نوجوانان را دنبال می‌کرد.<sup>۱۱</sup>

## ۲. تحصیل‌کرده‌ها و متأثرین از غرب

تحصیل‌کرده‌های غربی یا کسانی که تحت تأثیر آثار مستشرقین بودند نیز به احیای ایران باستان همت گماشتند. در نسل اول این جریان، از «جلال‌الدین میرزای قاجار» و «فتحعلی آخوندزاده» می‌توان یاد کرد.

۱. امینی، اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۸۵ - ۱۳۳۸ ش)، ص ۵۷ - ۴.

۲. دوششوار، خاطرات سفر ایران، ص ۷۶.

3. Ronald Thomson.

۴. اعتمادالسلطنه، المآثر و الاثر (چهل سال تاریخ ایران دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)، ج ۱، ص ۱۶۵.

۵. آبدیان، روایت و فراروایت تاریخی در اندیشه جلال‌الدین میرزا قاجار، ص ۲۳.

۶. فردوست، از ظهور تا سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۶۳۴.

۷. وهومن، سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۴، ص ۲۴۷.

۸. طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، ج ۲، ص ۶۳۵ - ۶۳۴.

۹. فرهمند، خاطرات تقی‌زاده، ص ۲۴۹.

۱۰. وهومن، سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۴، ص ۲۴۷.

۱۱. ملک‌زاده، زندگانی ملک المتکلمین، ص ۱۳۵.

بزرگ‌ترین چهره نسل دوم میرزا آقاخان کرمانی است و در نسل بعدی افراد بیشتری به این امر مبادرت ورزیدند. جلال‌الدین میرزا قاجار (م. ۱۲۸۹ ق - ۱۸۷۳ م) فرزند فتحعلی‌شاه و مادرش «هما» بود. هما برخلاف اکثر بانوان دربار لباس فرنگی می‌پوشید. این اولین محرک جلال‌الدین به فرنگ‌مآبی است. او در جوانی زبان فرانسه را آموخت اما گرایش بیشتر وی به غرب را باید در «دارالفنون» جست‌وجو کرد. وی عضو فراموش‌خانه «میرزا ملکم‌خان» نیز بود و منزل او محل تجمع اعضای فراموش‌خانه شد.<sup>۱</sup> ارتباط وی با مستشرقان مسئله پنهانی نبود و حتی «دیوان بیگی» او را شخصی با سوء اعتقاد معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از این افراد فتحعلی آخوندزاده است. او در گنج‌با «میرزا شفیع» که به سستی ایمان متهم بود مرتبط شد. این ارتباط مسیر زندگی فتحعلی را عوض کرد. آخوندزاده به همراهی گروهی، انجمنی به نام «دیوان عقل» تأسیس نموده و در خانه میرزا شفیع گرد هم جمع و در مورد ایران باستان سخن می‌راندند. او با ایرانیانی چون ملکم‌خان و جلال‌الدین میرزای قاجار نیز ارتباط برقرار کرد. وی از نخستین افرادی است که بحث باستان‌گرایی معاصر را در ایران مطرح کرد و با وام‌گیری از غربیان قصد داشت ملیت ایرانی را جای دین بنشانند. بنابراین می‌گفت باید «تخم ملت‌دوستی و وطن‌پرستی» را در دل ایرانیان کاشت و به جای تعصب دینی باید تعصب وطن را جایگزین کرد.<sup>۳</sup> پارسیان را هم‌جنس و هم‌وطن می‌دانست و دیگران را بیگانه و راهزن و خونخوار.<sup>۴</sup> از ایران باستان و پادشاهان با هیجان سخن می‌گفت و در مورد پادشاهان ایران باستان تعبیر «فرشته‌کردار» به کار می‌برد. در عوض عرب را تخریب‌کننده تمدن باستان ایران و دشمنان علم و هنر معرفی می‌کرد<sup>۵</sup> و بر آن بود که رسوم ذمیمه این عرب‌ها، سلطنت هزار ساله عدالت‌آیین ما را به زوال آورده است.<sup>۶</sup>

نگاه باستان توسط جلال‌الدین میرزا، آخوندزاده و مانکجی آغاز شد و پس از آنان افرادی همچون «میرزا آقاخان کرمانی» دنبال گردید.<sup>۷</sup> کرمانی را می‌توان از اصلی‌ترین افراد نسل دوم باستان‌گرایان معاصر به‌شمار آورد. زبان انگلیسی را نزد «میرزا افلاطون زرتشتی» شاگردی کرد. با زبان زند و اوستایی البته با تمسک به آثار شرق‌شناسان فرانسوی آشنا شد. او در بستری بالید که آخوندزاده پهن کرده بود و

۱. قدیمی‌قیداری، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، ص ۱۹۴.

۲. قاجار، *گلشن محمود*، ص ۱۶۷؛ دیوان بیگی، *حدیقه الشعراء*، ج ۱، ص ۳۷۰.

۳. آدمیت، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، ص ۱۱۸ - ۱۱۶.

۴. آخوندزاده، *مقالات*، ص ۱۲۶.

۵. آدمیت، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*.

۶. مولوی، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل آخوندزاده، ج ۱، ص ۱۱۰.

۷. آدمیت، *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، ص ۲۶۹.

خود را از پیروان وی می‌دانست اما نسبت به آخوندزاده بی‌پرده‌تر و جسورتر به دین می‌تاخت. ترویج ایران باستان، هجمه به اسلام و مناسک شیعی از جمله عزاداری، زیارت و آموزه‌های آن و تخریب چهره علمای دینی از جمله مواردی است که به وفور در آثارش منعکس شده است. در عقیده وی باید تاریخ باستان را آموخت و با شخصیت‌های آن آشنا شد زیرا اگر ایرانی با تاریخ باستانش آشنا نباشد «هر جاهل را بوذرجمهر و هر ظالم را انوشیروان ... و هر جبان را رستم بگویند»<sup>۱</sup>. نیز می‌افزاید «قانون زند» استوارترین آئین‌های ازمنه سابقه بود. «مزدک» را اعجوبه آفرینش می‌دانست و می‌گفت اگر دری که مزدک به روی ایران گشوده بود بسته نشده و پیش رفته بود امروز هیچ‌یک از ملل متمدنه دنیا به پایه ترقی ایران نمی‌رسیدند.<sup>۲</sup> حال چگونه می‌شود هم انوشیروان را ستود و هم مزدکی که بر علیه وی قیام کرده، جای سؤال دارد. او به «علامه مجلسی» می‌تازد و کتاب «بحارالانوار» را به تمسخر می‌گیرد. عزاداری را تخطئه کرده<sup>۳</sup> و زیارت را بی‌معنا معرفی می‌کند و جمیع ردائل را امانت و ودیعت ملت عرب دانسته که در اثر تاخت‌وتازهای آنها در ایران واقع شده است.<sup>۴</sup>

پس از وی تعداد زیادی در مدارس زیر نظر باستان‌گرایان تحصیل کرده و نیز با مطالعه آثار آنها پرورش یافتند و به تقویت ریشه‌های باستان‌گرایی پرداختند. «محمد علی فروغی»، از آن جمله است. وی تحصیلات کلاسیک را در دارالفنون فرا گرفت.<sup>۵</sup> او ملغی شدن سلطنت قاجار را اعلام و خطبه به نام سلطنت رضاشاه خواند. وی رضاخان را پادشاهی پاک‌زاد و ایران‌نژاد و وارث تاج‌وتخت کیانی و احیاگر شاهنشاهی باستان خواند.<sup>۶</sup> فروغی یکی از بارزترین نماینده‌های جریان فکری باستان‌گرا در زمان خود بود و در نظر داشت تا با ناسیونالیسم ایرانی، مکتبی نوین بنا نهد که ایدئولوژی رسمی حکومت جدید ایران بود. هم‌زمان با وی «سید محمدرضا کردستانی» مشهور به «میرزاده عشقی» شاعر، روزنامه‌نگار و نماینده‌نویس در این مسیر قدم برداشت. وی اگرچه از نظر سیاسی با امثال فروغی فاصله داشت اما در مشی فرهنگی هم‌طریق بود و عناصر هویت ملی و ایرانی را در جهت ایجاد انگیزه در مردم به کار بست<sup>۷</sup> و در آثار هنری و اشعار خود به ایران باستان پرداخت.

۱. کرمانی، آیین سکندری، ص ۴۱.

۲. آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۱۸۰ - ۱۷۶.

۳. کرمانی، سه مکتوب، ص ۲۰۶ - ۲۰۵.

۴. آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۲۰۶ - ۱۹۲.

۵. افشار، یادداشت‌های خصوصی محمدعلی فروغی از روزگار بیست‌وشش سالگی، ص ۲۸.

۶. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (جستارهایی از تاریخ معاصر ایران)، ج ۲، ص ۴۱.

۷. قائد، میرزاده عشقی سیمای نجیب یک آنارشیست، ص ۱۹.



«حسن پیرنیا» مشهور به «مشیرالدوله»، «صادق هدایت» و «بزرگ علوی» نیز از این افراد هستند. اما عضو فعال و تأثیرگذار در این طبقه «ارباب کی خسرو شاهرخ» زرتشتی و اهل کرمان بود. وی در شانزده سالگی به هند سفر کرد.<sup>۱</sup> این سفر به سفارش مانکجی بود و به این دلیل، در هند تحت حمایت دین‌شاه زرتشتی رئیس انجمن اکابر صاحبان پارسی قرار گرفت و در این کشور به تحصیلات خود ادامه داد. در ۱۳۰۷ ق - ۱۸۸۸ م از طرف پارسیان هند به محل تولد خود برگشته و به فعالیت‌های فرهنگی در مورد زرتشتیان پرداخت.<sup>۲</sup> با وجود وی پارسیان هند از ارسال نماینده هندی تبار به ایران بی‌نیاز شدند. وی برخلاف مانکجی به انگلیس گرایش نداشته بلکه متمایل به آلمان بود اما در احیای ایران باستان با مانکجی و اردشیرجی اشتراک نظر داشت. بنابراین برای تعالی و ترقی جامعه زرتشتیان و نیز احیای ایران باستان سعی فراوان کرد. فعالیت‌های وی بیشتر فرهنگی بود از جمله اقدامات وی تلاش برای تغییر سال قمری به شمسی بود.<sup>۳</sup> ارباب کی خسرو از مؤسسان انجمن آثار ملی<sup>۴</sup> و از اعضای انجمن فرهنگی ایران و آمریکا<sup>۵</sup> است. با تلاش‌های وی ابراهیم پورداوود رویه باستان‌گرایی را در پیش گرفت.<sup>۶</sup> پورداوود را می‌توان احیاگر زبان و فرهنگ ایران باستان<sup>۷</sup> و بنیانگذار تحقیقات علمی درباره زرتشت معرفی کرد. او به مکاتبه با زرتشتیان روی آورد تا از لغات فارسی سره آگاه شود.<sup>۸</sup> سپس به هند رفته و مورد توجه پارسیان هند قرار گرفت. «انجمن ایران لیگ» که رویکرد باستان‌گرایان را در ایران و هند تبلیغ می‌کرد حامی وی بود. علاقه پارسیان هند به وی آن قدر زیاد بود که او را به مراسم «مَرَدِیَسْتا» موسوم به «یَزْشَن»<sup>۹</sup> که به جز زرتشتی‌ها کسی را راه نمی‌دادند دعوت کردند.<sup>۱۰</sup>

پس از اینها افراد زیادی از جمله احسان یارشاطر، عبدالحسین زرین‌کوب، شجاع‌الدین شفا ادامه دهنده راه آنان شدند. شجاع‌الدین شفا از صحنه‌گردانان تغییر سال شمسی به شاهنشاهی بود.<sup>۱۱</sup>

۱. صدری افشار، «نقد کتاب خاطرات ارباب کی خسرو»، ماهنامه چیستا، ش ۲۰۵ - ۲۰۴، ص ۴۰۷.

۲. فراهانی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. تهرانی، رساله نوین، ص ۱۰۳.

۴. نوایی، چگونه انجمن آثار ملی بنیاد گرفت؟، ص ۹۶.

۵. پوپ، هنر ایرانی در گذشته و آینده، ص ۷۷ - ۸۳.

۶. اوشیدری، یادداشت‌ها ارباب کی خسرو شاهرخ، ص ۸۳.

۷. فرهنگ مهر، سخنرانی، ج ۱، ص ۳۸.

۸. کلهر، باستان‌گرایی در تاریخ معاصر، ص ۱۵۶ - ۱۵۵.

9. Yazshan.

۱۰. پورداوود، سرگذشت، ج ۱، ص ۳۴۵.

۱۱. حسینیان، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها - چگونگی و چرایی (چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران)، ص ۴۵۳.



### ۳. تأثیرپذیری از ناسیونالیسم رومانتیک آلمانی

رومانتیک ابتدا یک جنبش هنری بود اما به یک خیزش اجتماعی تبدیل شد. «فردریش شلگل» اولین بار این اصطلاح را به‌معنای احساس‌برانگیز در قالب تخیلی به‌کار برد. این مکتب در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی به شکوفایی رسید. علت پدید آمدن این مکتب، انقلاب صنعتی و تبعات حاصل از آن و انگیزه اصلی از به‌وجود آمدن آن، نیاز روز افزون به ترک سنت‌های کلاسیک بود و پرچم‌دار این مکتب هنرمندان بودند.<sup>۱</sup> «رومانتیسیم» یک اعتراض به ماشینی کردن زندگی و تخریب ارزش‌های بشریست. بنابراین نوعی بازگشت به کهن در آن نهفته است. این مکتب که دربردارنده هیجانانگیزانه‌ی انسانی و خیال‌پردازی بود به‌سرعت در دیگر نقاط نفوذ کرد.<sup>۲</sup>

#### نمودار فرایندشناسی تبدیل «جنبش هنری» رمانتیک به «خیزش اجتماعی»



بخشی از ناسیونالیسم در غرب از جمله در آلمان برگرفته از مکتب رمانتیسیم بود. ایدئولوژی نازیسم بر پایه نژاد برتر آریایی بنا شد. آنها این تفکر را از «گوپینو» اخذ کرده بودند. او نژاد سفید را نژاد برتر عنوان کرد.<sup>۳</sup> تألیف کتاب **نابرابری نژادهای انسانی** از آن اوست. این کتاب مورد اقبال نازی‌ها قرار گرفت.<sup>۴</sup> او در زمان ناصرالدین‌شاه به ایران نیز سفر کرده و سفرنامه‌ای با عنوان **سه سال در ایران** را نگاشت. کتاب **تاریخ ایران** نیز از اوست.

#### نمودار شاخصه‌شناسی اندیشه‌ای رمانتیک آلمان



۱. ثروت، مکتب رمانتیسیم، ص ۴۱.

۲. میرمحمدصادقی، شناخت مکتب‌های ادبی، ص ۲۹۲.

۳. ناطق، ایران از نگاه گوپینو، ص ۵۲ - ۲۹.

۴. گوپینو، سه سال در آسیا، ص ۱۱.

ناسیونالیسم اگر چه پیش از جنگ جهانی اول وجود داشت، اما به علت شکست آلمانی‌ها در این جنگ، «هیتلر» توانست از این مسئله به عنوان ابزار محرکی برای تقویت حس ناسیونالیستی آلمانی‌ها استفاده کند تا بتواند آنان را در مقابل دشمن قرار دهد. او در فصل یازدهم کتاب «نبرد من»، به نژاد مردم آلمان یعنی نژاد آریایی پرداخت. در ایران نیز جریان ایران باستان به دنبال پشتوانه بیشتر برای اثبات خود می‌گشت. بنابراین صیغه برادری نانوشته‌ای بین باستان‌گرایان ایرانی و جرمنی‌ها خوانده شد.

پس از آن «سید حسن تقی‌زاده» به تقاضای دولت آلمان «کمیته ملیون ایرانی» را در برلین راه‌اندازی کرد و خود به عنوان مغز متفکر کمیته کارها را به دست گرفت<sup>۱</sup> و عده‌ای از باستان‌گرایان ایرانی را در برلین گرد خود جمع کرد. هزینه‌های این کمیته بر دوش دولت آلمان بود. بنابر برخی از گزارش‌ها دولت آلمان به اعضای آن حق‌الزحمه نیز پرداخت می‌کرد.<sup>۲</sup>

تکیه دولت نازی آلمان بر نژاد خالص آریایی به عنوان نژاد برتر، توجه «رضاشاه» را جلب کرد.<sup>۳</sup> از آنجا که رضاخان خود با تکیه بر باستان‌گرایی بر سر کار آمده بود، «پان ایرانیسم» را شعار خود قرار داد و به آلمان جدید گرایش پیدا کرد.<sup>۴</sup>

هیتلر نیز برای مقابله با انگلیس، به رضاشاه نزدیک شد و در ابعاد گسترده‌ای این ارتباط افزایش یافت.<sup>۵</sup> به همین مناسبت باستان‌گرایان آلمانی از قبیل «زاره»، «هرتسفلد» و «کرفتر» به ایران آمده و در مناطق باستانی ایران به کنکاش پرداختند.<sup>۶</sup> موجی که در زمان رضاشاه ایجاد شد علاوه بر استمرار موج عهد ناصری، ناسیونالیسم ارگانیک و یا آریایی‌گری را نیز در بر داشت.<sup>۷</sup>

اکثر این افراد این سه گروه در نسل‌های پی‌درپی یا تحصیل کرده غرب و یا تحت تأثیر مستشرقان بودند. بنیانگذاران این تفکر با اقدامات زمینه‌ساز کار خود را آغاز کرده و گروه بعدی با اقدامات خود درصدد تسهیل کار بر آمدند و در زمان پهلوی به اقدامات شتاب‌زا متوسل شدند تا تفکر خود را در سطوح مختلف اجتماعی تزریق کنند.

۱. گرکه، پیش به سوی شرق؛ ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ج ۱، ص ۳۵۰؛ ج ۲، ص ۶۵۸ پاورقی ۱۷۰.

۲. بهنام، برلنی‌ها، ص ۱۲ و ۴۲ - ۴۱.

۳. فوران، مقاومت شکننده، ص ۳۶۸.

۴. زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ص ۱۴۱؛ آکسورتی، امپراطور اندیشه، ص ۲۷۷.

۵. اسلامی، ارزیابی الگوی سیاست خارجی ایران بین دو انقلاب، ج ۱، ص ۱۶۴.

۶. فوران، مقاومت شکننده، ص ۳۶۸.

۷. همان، ص ۶۳۳.

### ۱-۳. تأثیر به مثابه زمینه‌سازی

#### ۱-۱-۳. تألیف کتاب

تألیف کتاب در آن برهه به مثابه کاشتن نهال باستان‌گرایی بود زیرا مخاطب کتاب‌های علمی در مرحله اول نخبگان هستند و جذب آنها پایه‌های باستان‌گرایی را استوار می‌کند. بنابراین مانکجی پس از ارتباط با برخی از همفکران خود، آنان را به این مهم ترغیب می‌نمود. *نامه خسروان* تألیف جلال‌الدین میرزا در مورد عظمت شاهان باستان که براساس سره‌نویسی نگارش یافت با تشویق او بود.<sup>۱</sup> این کتاب نتیجه ارتباط سه سویه اضلاع مثلث باستان‌گرایی است. جلال‌الدین از مانکجی تقاضا می‌کند تاریخ زرتشتیان و پارسیان را برای وی نگارش نماید و مطالب نگاشته شده توسط مانکجی در جلد دوم *نامه خسروان* با عنوان *داستان زرتشتیان* به‌علاوه تقریظی از آخوندزاده درج شود. مانکجی به شناسایی فرهیختگان شهرها پرداخت تا آنان را ترغیب به پژوهش در مورد شهر خود با نگاه باستانی کند. *مرآت البلدان* درباره تاریخ شهرها، *آثار العجم* در مورد استان فارس نوشته فرصت‌الدوله شیرازی، *مرآت القاسان* توسط عبدالرحیم ضرابی در مورد کاشان، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان* اثر محمدمهدی اصفهانی از این نوع است.<sup>۲</sup> همچنین به درخواست وی کتاب *فرازستان* درباره تاریخ پادشاهان باستان تألیف اسماعیل خان زند تویسرکانی<sup>۳</sup> و *ترجمه جاویدان خرد* نوشته شمس‌الدین محمدحسین<sup>۴</sup> تدوین شد.

در نسل دوم میرزا آقاخان کرمانی در تألیف کتاب با برداشتن یک قدم به جلو، آثارش جسورتر از پیشینیان بود. از جمله آثار وی *سالارنامه* یا *نامه باستان*، *آئینه سکندری*، *تاریخ ایران از اسلام تا سلجوقیان*، *سه مکتوب*، *صد خطابه*، *تاریخ شائزمان ایران*، *تاریخ قاجاریه*، *سبب ترقی و تنزل ایران*، *در تکالیف ملت*، *تکوین و تشریح*، *هفتاد دو ملت*، *هشت بهشت*، *ان شاء الله ماشاء الله*، *رساله عمران خوزستان* و *ترجمه تلماک* است.<sup>۵</sup>

هم‌زمان با وی «محمد حسین فروغی» ذکاءالملک اول *تاریخ ادبیات ایران*، *تاریخ اسکندر کبیر*، *تاریخ مختصر ایران*، *تاریخ سلاطین ساسانی*، *تاریخ ایران از قبل از میلاد مسیح تا عهد قاجار* و *تاریخ ایران قدیم* که به کمک فرزندش محمدعلی نوشت و *تاریخ عالم* که در دارالفنون تدریس

۱. زرین کوب، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، ص ۴۲.

۲. ضرابی، *تاریخ کاشان*، ص ۳، ۴ و ۶.

۳. منزوی، *فهرست کتاب‌های فارسی*، ج ۲، ص ۱۰۴۳.

۴. همان، ج ۶ ص ۳۲۸.

۵. آدمیت، *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، ص ۱۹ - ۱۶.

می‌شد.<sup>۱</sup> فرزندش «محمدعلی فروغی» نیز علاوه بر مشاغل سیاسی آثار ذیل را در راستای بسط باستان‌گرایی به رشته تحریر در آورد. **پیام به فرهنگستان، تاریخ مختصر ایران، تاریخ مختصر دولت روم قدیم، تاریخ ملل قدیمه مشرق زمین، تاریخ قرن ۱۹ میلادی، تاریخ ساسانیان.**

همچنین «حسن پیرنیا» کتابی با عنوان **تاریخ ایران باستان** در سه جلد تألیف کرد.<sup>۲</sup> این مجموعه را می‌توان نخستین کتابی در مورد باستان به حساب آورد که به شیوه جدید و کشفیات باستان‌شناسی مستشرقان نگاهشده شده است. کتاب‌های تاریخ باستان پیشین، از جمله **نامه خسروان** به سبک جدید کلاسیک نبود بلکه برگرفته شده از کتاب **دبستان مناهب، شاهنامه** و این‌گونه منابع بود. به عقیده برخی، وی در تألیف این کتاب تحت تأثیر میرزا آقاخان کرمانی قرار داشت.<sup>۳</sup> پیرنیا همچنین تدوین کتب درسی را در برهه‌ای بر عهده گرفت<sup>۴</sup> و بخشی از کتاب وی گزینش شده و در مدارس تدریس می‌شد.<sup>۵</sup>

ارباب کی خسرو با انتشار کتاب‌های حاوی تبلیغ زرتشتیت در سطح وسیع و توزیع آن به صورت رایگان، به این روند سرعت بخشید. او هزاران کتاب را وارد عرصه فرهنگی کشور کرد. این کتاب‌ها ولوله غربی نسبت به دین زرتشتی پدید آورد و مسلمانان ایرانی نسبت به دین زرتشت حسن ظن یافتند.<sup>۶</sup> یکی از کسانی که تحت‌تأثیر این کتاب‌ها به تعقیب کیش زرتشتی پرداخت «ابراهیم پورداوود» بود.<sup>۷</sup> پورداوود را می‌توان احیاگر زبان و فرهنگ ایران باستان<sup>۸</sup> و بنیانگذار تحقیقات علمی درباره زرتشت معرفی کرد.

این شیوه ادامه پیدا کرد و در زمان پهلوی، کتاب‌ها دیگر به شیوه جذب نخبگانی نبود بلکه درصدد القاء تفکر باستان‌گرایی در بدنه جامعه بود. از جمله کتاب «**تولد دی‌دیگر**» نوشته شجاع‌الدین شفا که ضد اسلام و دربردارنده نکاتی مثبت درباره ایران باستان است.<sup>۹</sup> عبدالحسین زرین‌کوب نیز با تألیف کتاب «**دو قرن سکوت**» در این مسیر قدم برداشت و کمک شایانی به سیر باستان‌گرایی و عرب‌ستیزی کرد که امروزه این کتاب دست‌آویز اسلام‌ستیزان شده است. وی به گفته خود این کتاب را در خامی یا تعصب نگاشته است زیرا در آن روزگاران چنان روح وی از شور و حماسه لبریز بوده که هر چه پاک و حق و

۱. هنرفر، **اصفهان**، ص ۲۵۹.

۲. مستوفی، **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**، ج ۲، ص ۶۸.

۳. امینی، **دانشنامه جهان اسلام**، مدخل پیرنیا، ص ۲۹۴۴.

۴. سعیدی، **خاطرات درباره مشیرالدوله**، ص ۹۳.

۵. زرین‌کوب، **حکایت همچنان باقی**، ص ۲۷۵.

۶. اوشیدری، **یادداشت‌های ارباب کی خسرو شاهرخ**، ص ۸۳.

۷. همان.

۸. **فرهنگ مهر**، سخنرانی، ج ۱، ص ۳۸.

۹. شفا، **تولد دی‌دیگر**، ص ۴۳ - ۲۱.

مینوی بود از آن ایران می‌دانسته و هر چه را از آن ایران - ایران باستانی - نبود زشت، پست و نادرست می‌شمرده است.<sup>۱</sup>

نگارش کتاب از ابتدای ظهور باستان‌گرایی معاصر تاکنون ادامه داشته و امروزه تنها در مورد کورش بیش از ۱۵۰ کتاب با این نگاه به رشته تحریر در آمده است.

### ۳-۱-۲. مدیریت منابع انسانی

یکی از اقدامات زمینه‌ساز مانکجی که مهم‌ترین اقدام وی محسوب می‌شود، تشکیل حلقه اولیه باستان‌گرایی به همراهی آخوندزاده و جلال‌الدین میرزا بود.<sup>۲</sup> با توجه به اقدامات، تألیفات و آثار این سه نفر، هر یک عهده‌دار یک ضلع از مثلث باستان‌گرایی شدند. آخوندزاده مقابله با مظاهر اسلامی، جلال‌الدین میرزا تجلیل ایران باستان و مانکجی احیای دین زرتشت را بر دوش گرفت.

#### نمودار مثلث باستان‌گرایی در دوره قاجار



جذب نیرو با روش‌های مختلف محقق می‌شد. گاهی با تشویق به تألیف کتاب که در سطور پیش گذشت، گاهی با اعزام برخی به کشورهای دیگر و گاهی با دایر کردن مدارس با رویکرد باستان‌گرایانه و جذب افراد.

۱. زرین کوب، دو قرن سکوت، ص ۳.

۲. امینی، اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران، ص ۵؛ آدمیت، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۲۳، ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۲۹.

ارباب کی خسرو از جمله افرادی بود که توسط مانکجی به هند اعزام شد تا تحت تربیت پارسیان هندی قرار گیرد.<sup>۱</sup> صادق هدایت، عبدالحسین سپنتا و ابراهیم پور داوود نیز برای مدتی تحت حمایت و پوشش این انجمن در هند بودند. شخصی به نام «دینشاه ایرانی» این افراد را کشف و به این انجمن معرفی می‌کرد و این افراد تحت آموزش قرار می‌گرفتند.<sup>۲</sup>

اما تأسیس مدرسه برای پرورش نیرو در ابعاد گسترده‌تری صورت پذیرفت. در همان ابتدا مانکجی در یزد، کرمان<sup>۳</sup> و شهرهای دیگر<sup>۴</sup> مدرسی را بنیان نهاد. او برخی از افراد مستعد را به تهران آورده تحت تربیت خود قرار داد و برای این امر مدرسه‌ای شبانه‌روزی در تهران احداث نمود.<sup>۵</sup> شاخص‌ترین شخص از این طبقه ارباب کی خسرو شاهرخ است. وی تحت حمایت دینشاه زردتشی رئیس انجمن اکابر صحابان پارسی قرار گرفت و در این کشور به تحصیلات خود ادامه داد و از طرف اکابر مذکور به آموزگاری دبستان کرمان منصوب گردید.<sup>۶</sup> اگر نتیجه همه زحمات مانکجی را تربیت همین یک نفر در نظر بگیریم، زحماتش به هدر نرفته است زیرا وی از رجال سیاسی مشهور زمان خود شده و به نمایندگی از طرف زرتشتیان وارد مجلس شد و با آنکه وارد امور سیاسی شد از تربیت نیرو برای پیشبرد اهداف تشکل خودشان غافل نماند و به احداث مدارس همت گماشت. دبیرستان پسرانه فیروز بهرام، دبیرستان دخترانه انوشیروان،<sup>۷</sup> مدارس چشمید جم و ایرج گیو<sup>۸</sup> در تهران از این جمله است.

دبیرستان فیروز بهرام اختصاص به زرتشتیان نداشت و فرزندان مسلمانان نیز در آن ثبت نام می‌کردند. افراد زیادی در این مدارس تربیت شدند و کافی بود این سطح از افراد تحصیل کرده، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، دانسته یا نادانسته به ترویج باستان‌گرایی بپردازند. فارغ‌التحصیلان این مراکز در بسیاری از گلوگاه‌های فرهنگی کشور مسئولیت گرفته و یا به‌عنوان یک نیروی فرهنگی صرف، در اجتماع حضور یافتند. همه این افراد و فعالیت‌های فرهنگی آینده آنان را می‌توان به نوعی تأثیر ارباب کی خسرو دانست. یک نمونه از تحصیل کرده‌های این دبیرستان ایرج افشار با ۳۰۰ کتاب و ۳۰۰۰ مقاله در مورد کتاب‌شناسی و کتابداری و تاریخ و جغرافیای ایران است.

۱. فراهانی، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. شهبازی، *نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی، و تاریخ‌نگاری جدید در ایران*، ص ۱۲۱.

۳. بویس، *مانکجی لیمجی هاتاریا در ایران*، ص ۴۳۰.

۴. اوشیدری، *یادداشت‌های کی خسرو شاهرخ*، ص ۲۷۰.

۵. همان ص ۲۷۰ - ۲۶۳.

۶. فراهانی، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، ج ۱، ص ۲۱۹.

۷. صدقی افشار، *نقد کتاب خاطرات ارباب کی خسرو*، ص ۴۰۷.

۸. تدین‌پور، *مجلس انس*، ص ۴ - ۲.



پیرنیا نیز به تأسیس مدرسه اقدام کرد. این مدرسه که با عنوان «مدرسه علوم سیاسی» تأسیس شد علاوه بر تعلیم علوم سیاسی، محل آموزش مباحث مربوط به ایران باستان نیز بود. محمدحسین فروغی استاد و مدیر مدرسه برای مدتی<sup>۱</sup> و نیز محمدعلی فروغی و اردشیرجی تاریخ تدریس می‌کردند.<sup>۲</sup> بنابراین کادرسازی پارسیان هندی و پس از آن تلاش‌های ارباب‌کی‌خسرو و دیگر منورالفکرها باعث شد تا افراد زیادی تربیت شوند و این افراد در مسئولیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور در زمان پهلوی سکان‌دار بوده و شرایط را به نفع باستان‌گرایان رقم زدند.

### ۳-۲. اقدامات تسهیل‌کننده

اقدامات تسهیل‌کننده به موازات اقدامات زمینه‌ساز و در برخی موارد پس از آن، در دستور کار قرار گرفت. از جمله مهم‌ترین اقدامات در این مرحله، تقویت هویت ملی، تحریک احساسات نژادی و قومیتی مانند عرب‌ستیزی و آریایی‌گری بود.

### ۳-۲-۱. عرب‌ستیزی

مجادله بین اقوام هم‌جوار، همواره بوده و هست. فارس و عرب نیز از این امر مستثنی نبوده و نیستند. اما با ظهور باستان‌گرایی در زمان قاجار با یک عرب‌ستیزی شدیدی مواجه هستیم که بوی نژادپرستانه از آن به مشام می‌رسد. این ترفند به صورت گسترده آغاز شد تا بیزاری و نفرت از این قوم را به جامعه ایرانی تلقین کند. بنیان‌گذاران این ترفند برای پیشبرد اهداف خود به بیگانه‌نمایی عرب پناه بردند و از همان ابتدا، مقابله با عرب به صورت نرم آغاز و پس از مدتی بسیار شدیدتر شد. ابتدا فرهنگستانی تأسیس و به بهانه صیانت از زبان فارسی، عرب‌زدایی آغاز شد اما این بیگانه‌زدایی شامل واژه‌های غربی نمی‌شد.

بهانه عرب‌ستیزی، جنگ مسلمانان با ساسانیان در زمان خلیفه دوم بود، که به استیلاي اسلام بر ایران انجامید. به گفته این جریان، این حمله باعث از بین رفتن تمدن با شکوه ایران شده و دین اسلام را به زور بر ایرانیان تحمیل کردند. بنابراین عرب‌ستیزی مقدمه‌ای بود بر اسلام‌ستیزی.

جلال‌الدین میرزا در کتاب *نامه خسروان*، به زدودن کلمات عربی مبادرت ورزید و آخوندزاده به تخریب چهره قوم عرب پرداخت. او در کتاب *مکتوبات* خود پس از شش صفحه ثناخوانی برای ایران پیش از اسلام و سلاطین آن، عامل و باعث فروپاشی این شکوه و عظمت را عرب‌های برهنه و گرسنه معرفی می‌کنند که هزار و دویست و هشتاد سال است ایران را بدبخت کرده‌اند.

میرزا آقاخان کرمانی شیوه آخوندزاده در عرب‌ستیزی را ادامه داد اما پرخاشگرانه‌تر. سه مکتوب

۱. پیرنیا، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه*، مقدمه، ص ۱۸.

۲. باستانی‌پاریزی، *تلاش آزادی*، ص ۸۰ - ۷۹.



کرمانی همان مکتوبات آخوندزاده است اما بسیار بی‌ادبانه‌تر. وی گاهی قلم را آلوده به فحش‌های رکیک کرده و در این راه گوی سبقت را از آخوندزاده ربوده است.

به عقیده میرزا آقاخان کرمانی هر شاخه از درخت اخلاق زشت ایران را که دست بزنی ریشه در بذر تازیان دارد.<sup>۱</sup> عرب‌ها را ملتی پابرنه، سوسمارخور، چادرنشینی صحرانگرد و وحشی خطاب می‌کند. اینها مشتت از خروارها اهانت آخوندزاده و بدتر از وی آقاخان کرمانی به قوم عرب است که در لابه‌لای آن علاوه بر عرب‌ستیزی، اسلام‌ستیزی نیز دیده می‌شود.

بزرگ‌ترین عرب‌ستیز بعد از آنها صادق هدایت است. قلم روان او در نثرنویسی مورد تحسین صاحبان فن قرار گرفته اما متأسفانه در عرب‌ستیزی گوی سبقت را از پیشینیان خود می‌رباید. در آثار وی از جمله «اصفهان، نصف جهان»، «زنده به گور»، «انبران»، «حاجی آقا»، «طلب آموزش» و «شغال و عرب» به وضوح عرب‌ستیزی بلکه بالاتر اسلام‌ستیزی وی نمایان است. نفرت هدایت از عرب‌زبانان در نمایش‌نامه‌ای تخیلی با عنوان «پروین دختر ساسان» به اوج رسیده و در این نوشتار توهین‌های شرم‌آور به قوم عرب<sup>۲</sup> و سعی بر تحریک غیرت ملی ایرانی دارد.<sup>۳</sup>

بنابراین علاوه بر کشمکش‌های هم‌جواری فارس و عرب در پهنه تاریخ چند هزار ساله و حتی پس از ورود اسلام به ایران، هم‌زمان با ظهور باستان‌گرایی معاصر، بحث عرب‌ستیزی به جریان افتاد که متفاوت با تقابل قوم فارس و عرب در طول تاریخ بود. زیرا علاوه بر نژادپرستی، مقدمه‌ای بر اسلام‌ستیزی می‌نمایاند. عرب‌ستیزی مذکور به صورت یک بیماری واگیردار به نسل‌های بعدی سرایت کرد.

### ۳-۲-۲. تأکید بر منزلت و امتیاز خون و تبار ایرانی (آریایی)

گفتمان آریایی‌گرایی در راستای تقویت باور نگاه به ایران باستان، در کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مقالات و اشعار وارد شد. در بحث رمانتیک آلمانی مطالبی در این باره گذشت. پرداختن به این واژه از امثال میرزا آقاخان کرمانی آغاز و در زمان پهلوی با آریامهر خواندن محمدرضاشاه به اوج رسید و تاکنون ادامه دارد.

کرمانی از زردتشیان با عبارت «مردم بزرگ ایران» یا «ملت نجیب آریان» یاد می‌کند<sup>۴</sup> و بنابر نظر وی اروپائیان و ایرانیان از یک ریشه بوده و سپس در سراسر جهان پخش شده‌اند.<sup>۵</sup> البته از آنجا که هنوز این واژه به صورت «آریا» نوشته نمی‌شد، وی به صورت «آرین» کتابت کرد.

۱. آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۱۹۲.

۲. هدایت، پروین دختر ساسان، ص ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۳۷، ۳۸، ۴۶، ۴۷ و ۵۶.

۳. همان، ص ۱۵، ۲۰، ۲۳ و ۳۲.

۴. کرمانی، سه مکتوب، ص ۱۸۰، ۱۸۱ و ۲۶۹.

۵. کرمانی، صد خطابه، ص ۵۶.

پس از آن، این عبارت به‌صورت تدریجی در کتاب‌های درسی وارد شد. حسن پیرنیا برای تثبیت این واژه زحمات فراوانی کشید. او در کتاب درسی تاریخ که برای دانش‌آموزان به رشته تحریر در آورد و نیز کتاب *تاریخ ایران قدیم، از آغاز تا انقراض ساسانیان* مکرر از این عبارت استفاده نمود.<sup>۱</sup> این رویکرد در نسل‌های بعدی نیز ادامه پیدا کرد و بیش از پیش از نژاد آریایی صحبت به میان آمد<sup>۲</sup> و تا جایی پیش رفت که پیدایش ایران را از مهاجرت آریان‌ها به فلات ایران دانستند.<sup>۳</sup>

سید حسن تقی‌زاده در روزنامه کاوه با رویکرد نژادپرستانه، از «نژاد پاک ایرانی» سخن می‌راند و در آن، اجداد مشترک ایرانیان و هندیان با عنوان «آریان» معرفی می‌شدند<sup>۴</sup> و جشن نوروز را یک آیین آریایی ثبت می‌کرد.<sup>۵</sup> این گرایش در برخی از جراید دیگر نیز ادامه یافت. سردبیر روزنامه ارمغان به دفاع جانانه از آلمان پرداخت.<sup>۶</sup> به‌دلیل سابقه بدی که آریایی‌گری و مخصوصاً نازی‌ها از خود به‌جای گذاشتند، این واژه که یک روز در اروپا به‌عنوان ارزش به‌شمار می‌آمد اعتبار خود را از دست داد، اما باستان‌گرایان ایرانی هنوز به آن به‌عنوان یک ارزش می‌نگرند.

### ۳-۳. اقدامات شتاب‌زا

زبان هنر رساترین زبان برای انتقال مفاهیم پیچیده در اقشار مختلف جامعه است، زیرا برخی از طبقات اجتماعی توانایی درک موضوعات علمی عمیق را ندارند. تفکر باستان‌گرایی از این مهم غافل‌نماند و در عرصه‌های مختلف هنری پا به میدان گذاشت و در قالب شعر، نثر ادبی، رمان، نمایش و معماری به‌عنوان ابزارهای هنری بهره‌جست و تا امروز که فیلم (سریالی، سینمایی)، موسیقی، بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن به این ابزار اضافه شده، مورد کاربرد این فکر قرار گرفته است.

«ملک الشعراى بهار» و میرزاده عشقی از جمله شعراى این جریان هستند. برجسته‌ترین رمان‌نویس‌های این جریان صادق هدایت است. نمایش‌نامه نویسی نیز از همان آغاز به‌صورت تخصصی توسط آخوندزاده کلید خورد و پس از آن میرزاده عشقی و دیگران ادامه دادند. عشقی نمایشنامه‌های متعدد نگاشت. او در نمایشنامه‌های «رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های

۱. پیرنیا، *تاریخ ایران قدیم از آغاز تا انقراض ساسانیان*، ص ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴ و ۱۶.

۲. وزارت فرهنگ، *کتاب چهارم ابتدایی*، ص ۲۷۶؛ وزارت فرهنگ، *جغرافیای پنج قطعه برای تدریس در سال ششم*، ص ۸۷.

۳. صدیق، *تاریخ و فرهنگ ایران*، ص ۳۱؛ رضازاده شفق، *تاریخ ادبیات ایران برای دبیرستان‌ها*، ص ۶ - ۵.

۴. تقی‌زاده، *خیالات گوناگون*، پاورقی شماره ۱.

۵. تقی‌زاده، *نوروز جمشید*، ص ۲.

۶. کسروی، *قیام شیخ محمد خیابانی*، مقدمه، ص ۴۰ - ۳۹.

مدائن» و «از تاریکی به روشنایی»<sup>۱</sup> سعی بر احیای ایران باستان و تهییج ایرانیان و برانگیخته کردن غرور آنان داشت. ارباب کی خسرو با همکاری برخی از افراد «هئیت نمایشی زرتشتیان» را تشکیل داد و نخستین تماشاخانه یا سالن تئاتری غیردولتی ایران بنا را کرد.<sup>۲</sup>

با تکامل صنعت سینمایی، گرایش به سمت تولید فیلم و سریال‌هایی پیش رفت که القاء تفکر باستان‌گرایی در سطح جامعه را به دنبال داشت. این روند تا کنون ادامه داشته و «مسعود جوزانی» کارگردان برجسته سینمایی ساختن فیلم کوروش را بزرگترین آرزویش عنوان می‌کند که در حال برآورده شدن است.<sup>۳</sup> وی امیدوار است پس از ساخت این فیلم، به زندگی «یعقوب لیث» بپردازد. او یعقوب لیث را نقطه عطفی در تاریخ ایران مانند کوروش می‌داند و به زعم وی یعقوب فرهنگ و زبان ایرانی را زنده کرده است.<sup>۴</sup>

صادق هدایت، بزرگ علوی و صادق چوبک نیز با معیار قرار دادن تفکر آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی با رمان‌نویسی به کمک این تفکر آمدند. «پروین دختر ساسان»، «مازیار» تألیف صادق هدایت، «چراغ آخر» نوشته چوبک از جمله این رمان‌هاست. اما «انیران» نسبت به رمان‌های دیگر تأثیر بیشتر گذاشت چرا که حمله عرب را بین حمله اسکندر و حمله مغول و به مراتب وحشیانه‌تر از آنها به تصویر کشید.

«سایه مغول» در مورد حمله مغول	
صادق هدایت	
«شب بدمستی»	«دیو!... دیو!»
در مورد حمله اسکندر، شین-پرتو	در مورد حمله عرب بزرگ علوی

هنر معماری نیز از جمله این ابزار بود، این هنر سندی نانوشته است که بسیاری از مفاهیم را به صورت ناخودآگاه به رهگذر انتقال می‌دهد.

این کار در اواخر قاجار به صورت موردی و انفرادی آن هم در حد تصاویری که معمولاً توسط کتاب **نامه خسروان** در ذهن آنان ایجاد کرده بود، انجام می‌شد.<sup>۵</sup> کاشی‌کاری‌های منقش به تصویر گشتاسب در بیمارستان دادگستری تهران از آن جمله است.<sup>۶</sup>

۱. فراهانی، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱، ص ۸۳.

۲. هوبان، *سالن نمایش زرتشتیان و تئاتر سیروس*، ص ۶۸.

3. <https://www.magiran.com/article.3326893>

4. <https://www.amordadnews.com/52688>

۵. ذکاء، *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*، ص ۱۵۱.

۶. دادور و ...، *بررسی نسخه مصورنامه خسروان و تأثیر آن در هنر دوره قاجار*، ص ۶۸.

در زمان پهلوی اول به صورت سازمان‌یافته با «معماری باستان‌گرایانه» مواجهیم که آگاهانه به معماری پیش از اسلام توجه داشت. در این دوره هنرمندان معمار، برای نخستین بار با نوعی معماری روبرو شدند که باید از دوره‌های پیشااسلام تبعیت می‌کردند.<sup>۱</sup> ملاک قرار دادن این‌گونه معماری در ساخت ستون‌ها، قوس‌ها و پنجره‌ها، نقوش برجسته از جمله حجاری‌ها و مجسمه‌ها بر سر در و پیکره ساختمان در دستور کار قرار گرفت.

ساختمان بانک ملی در سال ۱۳۰۹ ش و بنای قبر فردوسی به تقلید از بناهای پیش از اسلام و شبیه به مقبره منسوب به کوروش، کاخ شهربانی با نمادهای کاملاً باستانی، آغاز مدیریت معماری با سبک مذکور بود.<sup>۲</sup>

از جمله این بناها؛ مدرسه فیروز بهرام، مدرسه انوشیروان، ساختمان فرش، ساختمان وزارت خارجه، شهربانی دربند و موزه ایران باستان است. در ساختمان بانک ملی نشان فروهر و تصویر سربازان هخامنشی به چشم می‌خورد.<sup>۳</sup> پس از آن معماران دولتی و غیر دولتی، دانسته یا نادانسته، از ستون‌ها و سرستون‌ها و دیگر عناصر کاخ شهربانی را در آثار - گرچه کوچک‌تر - خود مورد تقلید قرار دادند.<sup>۴</sup> امروزه در بسیاری از شهرها حتی شهرهای مذهبی بناهایی با نام شخصیت‌های باستان و نمادهای باستانی موجود است. ریل‌گذاری باستانی در معماری تا بدانجا پیش رفته که امروزه بسیاری از منازل در شهرهای مختلف حتی مذهبی در قسمت‌های مختلف خانه نشانه‌ای از باستان به کار رفته از جمله گاهی در درب‌های ورودی تصویر برجسته سربازان هخامنشی نقش بسته است.

روزنامه‌نویسی یکی دیگر از اقدامات شتاب دهنده بود زیرا عامه مردم با کتاب ارتباط برقرار نمی‌کنند. محمد قزوینی،<sup>۵</sup> سید حسن تقی‌زاده، پورداوود و ... به انتشار روزنامه مبادرت ورزیدند.<sup>۶</sup> اولین روزنامه این گروه کاوه نام گرفت. نویسندگان با الگو قرار دادن کاوه آهنگر می‌گفتند: با توسل به این اسم پاک و مقدس، ایران نجیب را مخاطب ساخته با تمام قوت روح و قلب خود فریاد می‌زنیم «برخیز ای کشور نامور بلند اختر».<sup>۷</sup> نیز در اولین شماره این نشریه مقاله‌ای تحت عنوان «کاوه و پرچمش» به تألیف

۱. صارمی، *ارزش‌های پایدار در معماری ایران*، ص ۱۴۵.

۲. یونسی، *تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول*، ص ۶۳ - ۲۴.

۳. رجبی، *معماری ایران در عصر پهلوی*، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۴۶.

۵. فره‌وشی، *جهان فروری*، ج ۱، ص ۷۷۰.

۶. افشار، «درباره پورداوود»، *فرهنگ ایران زمین*، ش ۲۱، ص ۱۹.

۷. محیط طباطبایی، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، ص ۲۰۴.

«اسکار مان» منتشر و در آن پیشنهاد شد به جای نشان شیر و خورشید، تصویر درفش کاویانی بر میان پرچم سه رنگ نقش بندد زیرا شیر و خورشید نشان ترکان سلجوقی و درفش کاویانی به واقعیت تاریخی ایرانی نزدیکتر است.<sup>۱</sup>

روزنامه دیگری با عنوان «ایران باستان» به سردبیری «عبدالرحمن سیف» آغاز به کار کرد.<sup>۲</sup> سیف برای انتشار این روزنامه با گرد هم آوردن افرادی هم‌سو، توانست کانون ایران باستان، که مهم‌ترین جریان فکری نازیسم است را در عصر پهلوی اول پایه‌ریزی کند. این روزنامه در زمان خود یکی از پرتیراژترین روزنامه‌های تهران بود.<sup>۳</sup>

این نشریه‌ها با نگاه به ایران باستان بود.<sup>۴</sup> آنان بر این عقیده بودند که تمام تلاش‌ها، افکار، نیرو و آرمان‌های ملت ایران باید تنها بر روی نقطه ملیت تمرکز داشته باشد.<sup>۵</sup>

## نتیجه

پس از ورود اسلام به ایران، جامعه ایرانی به تناوب با اسلام انس برقرار کرد. البته بودند کسانی که به ایران پیش از اسلام فکر می‌کردند اما مورد توجه ایرانیان واقع نشده و به‌زودی از تحرکاتشان فرو نشست. این تحرکات با آنکه از اقبال عمومی برخوردار نبود اما هر چه باشد ریشه در لایه‌های زیرین جامعه ایرانی داشت و از قومیت ایرانی برخاسته بود. اما ایرانیان از زمان قاجار تا کنون با یک باستان‌گرایی افراطی مواجه هستند که پدیده‌ای وارداتی، به نام ایران و به کام غربیان است.

مطالعاتی که این نوشتار مبتنی بر آن تدوین شده، نشان می‌دهد اکثر شخصیت‌های بنیان‌گذار و ادامه دهنده این تفکر به نوعی در دامن غرب بوده و هستند. این افراد با به کار بستن اقدامات فرهنگی تفکر خود را ابتدا در جامعه نخبگانی و سپس در سطوح مختلف اجتماعی به‌صورت مرحله‌ای تزییق کردند. در مرحله اول به اقدامات زمینه‌ساز از جمله تألیف کتاب و تأسیس مدارس جهت تربیت و پرورش نیرو مبادرت ورزیدند. در مرحله بعد به روش‌های تسهیل‌کننده همانند تقویت هویت ملی، تحریک احساسات نژادی و قومیتی مانند عرب‌ستیزی و آریایی‌گری روی آورده و در مرحله آخر به اقدامات شتاب‌زا از قبیل به‌کارگیری هنر و استخدام هنرمندان توسل جستند زیرا با زبان هنر می‌توان مفاهیم مشکل علمی را در

۱. نشریه *کاووه*، سری اول، ج ۱، شماره ۱، ۴، ۲۴، ژانویه ۱۹۱۶ م.

۲. یغمایی، *وفات سیف آزاد*، ج ۶ ص ۳۷۵.

۳. جسیم، *تاریخ روزنامه نگاری در ایران*، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴. بهنام، *برلنی‌ها*، ص ۸۹.

۵. *ایران‌شهر*، ج ۱، شماره ۴، ژانویه ۱۹۲۳ م.

سطوح مختلف اجتماعی حتی به کودکان القاء کرد.

هدف این جریان ایجاد رویارویی ایران باستان و اسلام بود. برای رسیدن به این هدف از ترفندهای متفاوتی استفاده کرده و توانستند تا اندازه‌ای به هدف خود جامع عمل ببوشانند. بنابراین ضروریست تا برای مقابله با این جریان مطالعات علمی بیشتر و اقدامات عملی مؤثر صورت پذیرد. مطالعات و تحقیقاتی که می‌تواند با تبیین اهداف و ترفندهای آنان، مانع تأثیرات بیشتر این جریان شود.

### منابع و مأخذ

۱. آدمیت، فریدون، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹ ش.
۲. آدمیت، فریدون، *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، تهران، پیام، چ ۲، ۱۳۵۷ ش.
۳. اسلامی، روح‌الله، *ارزیابی الگوی سیاست خارجی ایران بین دو انقلاب*، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴ ش.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *المآثر و الاثر (چهل سال تاریخ ایران دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه)*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴ ش.
۵. احمدی، حسین و عبدالرسول خیراندیش، «آذر کیوانیان و تأثیر آنان بر باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران»، *تاریخ ایران*، ش ۷۰، ص ۳۲-۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱.
۶. اختریان، سید محمود، *فرهنگ فارسی به فارسی پیام*، تهران، نشر محمد، چ ۵، ۱۳۸۵ ش.
۷. افشار، ایرج، «درباره پوردادود»، *فرهنگ ایران زمین*، ش ۲۱، ص ۲۱-۱۶، ۱۳۴۵ ش.
۸. افشار، ایرج، «یادداشت‌های خصوصی محمدعلی فروغی از روزگار بیست‌وشش سالگی»، *پیام بهارستان*، ش ۸۲، ص ۳۳-۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، دوره دوم.
۹. امینی، محمد مهدی، *دانش‌نامه جهان اسلام*، مدخل پیرنیا، زیر نظر حداد عادل، تهران، دانش‌نامه جهان اسلام، چ ۵، اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. امینی، تورج، *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۸۵ - ۱۳۳۸ ش)*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. اوانس ماسیان، *شورش هندوستان (۱۸۵۷ م / ۱۲۷۴ ق)*، به کوشش صفا تیرائیان، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. اوبن، ژان، *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. اوشیدری، جهانگیر، *یادداشت‌های کی خسرو شاهرخ*، تهران، پرچم، ۱۳۵۵ ش.

۱۴. اوشیدری، جهانگیر، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، نشر مرکز، چ ۵، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. نشریه، *ایران‌شهر*، ج ۱، ش ۴، ژانویه ۱۹۲۳ م.
۱۶. آبادیان، حسین، «روایت و فراروایت تاریخی در اندیشه جلال‌الدین میرزا قاجار»، *فرهنگ*، ش ۶۸، ص ۴۰-۱، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۱۷. آخوندزاده، فتحعلی، *مقالات*، تهران، آوا، ۱۳۵۱ ش.
۱۸. آخوندزاده، فتحعلی، *الفبای جدید و مکتوبات*، تبریز، به کوشش حمید محمدزاده نشر احیا، ۱۳۵۷ ش.
۱۹. پوپ، آرتور، *هنر ایرانی در گذشته و آینده*، ترجمه عیسی صدیق، تهران، انتشارات مدرسه عالی خدمات جهانگردی اطلاعات، ۱۳۵۵ ش.
۲۰. آکسورتی، مایکل، *امپراطور اندیشه*، ترجمه شهربانو صارمی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۴ ش.
۲۱. باستانی پایزی، محمدابراهیم، *تلاش آزادی: محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله پیرنیا*، تهران، ۱۳۵۶ ش.
۲۲. بویس، مری، «مانکجی لیمجی هاتاریا در ایران»، *چیستا*، ترجمه هاشم رضی، سال سوم، ش ۶، اسفند ۱۳۶۴ ش.
۲۳. بهار، محمدتقی، *روزنامه نوبهار*، س ۲، ش ۵۴، ۶ شعبان ۱۳۳۲ ش.
۲۴. بهنام، جمشید، *برلنی‌ها*، تهران، انتشارات فرزانه روز، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. پوردوود، ابراهیم، *ایران‌شاه (تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هندوستان)*، بمبئی، سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان بمبئی، ۱۹۲۵ م.
۲۶. پوردوود، ابراهیم، *سرگذشت، راهنمای کتاب*، تهران، س ۳، ش ۶، ۱۳۳۹ ش.
۲۷. پیرنیا، حسین، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه*، تهران، خیام، چ ۹، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. پیرنیا، حسن، *تاریخ ایران قدیم از آغاز تا انقراض ساسانیان*، تهران، مطبوعه مجلس، ۱۳۰۶ ش.
۲۹. تدین‌پور، منصور، «مجلس انس (ارباب کیخسرو شاهرخ بینانگذار کتابخانه مجلس)»، *ماهنامه پیام بهارستان*، نشریه داخلی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی تهران، خرداد ۱۳۸۰ ش.
۳۰. تقی‌زاده، سید حسن، «خیالات گوناگون»، *کاوه*، ش ۳، ۱۹۲۱ م.
۳۱. تقی‌زاده، سید حسن، «نوروز جمشید»، *کاوه*، ش ۱۸، ۱۹۱۶ م.
۳۲. ثروت، منصور، «مکتب رمانتیسیم»، *نور*، ش ۲، ص ۵۸-۴۰، تابستان ۱۳۸۲.
۳۳. حسینی تهرانی، سید محمدحسین، *رساله نوین*، مشهد، علامه طباطبایی، ۱۴۲۶ ق.



۳۴. جسیم، اسماعیل، *تاریخ روزنامه نگاری در ایران*، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۱ ش.
۳۵. حسینی طهرانی ادیب، جلال‌الدین، *روزنامه حبل‌المتین کلکته*، سال ۱۸، ش ۱۶، ۱۳ شوال ۱۳۲۸ ش، ۱۷ اکتبر ۱۹۱۰ م، ج ۱۵.
۳۶. حسینیان، روح‌الله، *انقلاب اسلامی، زمینه‌ها - چگونگی و چرایی (چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۷. دادور، ابوالقاسم و ... «بررسی نسخه مصورنامه خسروان و تأثیر آن در هنر دوره قاجار»، *فصلنامه نگره*، ش ۳۳، ص ۸۱-۶۷، بهار ۱۳۹۴ ش.
۳۸. دوششوار، کنت ژولین، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران، نی، ۱۳۷۸ ش.
۳۹. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷ ش.
۴۰. دیوان بیگی شیرازی، *حدیقه الشعراء*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، چ ۱، ۱۳۶۴ ش.
۴۱. ذکاء، یحیی، *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۴۲. رجبی، پرویز، *معماری ایران در عصر پهلوی*، تهران، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۵ ش (۲۵۳۵).
۴۳. *روزنامه ایرانشهر*، ج ۱، شماره ۴، ژانویه ۱۹۲۳ م.
۴۴. *روزنامه رستخیز*، بدون شماره، ۲۸ شوال ۱۳۳۳.
۴۵. زرگر، علی‌اصغر، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*، ترجمه بیات، تهران، انتشارات پروین، ۱۳۷۳ ش.
۴۶. زرین کوب، عبدالحسین، *دوقرون سکوت*، تهران، انتشارات احمد علمی، چ ۳، ۱۳۴۴ ش.
۴۷. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ ایران پس از اسلام*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۴۸. زرین کوب، عبدالحسین، *حکایت همچنان باقی*، تهران، سخن، ۱۳۷۶ ش.
۴۹. سعیدی، احمد، *خاطرات درباره مشیرالدوله، در مجموعه گفتارهایی درباره چند از رجال ادب و تاریخ ایران*، تهران، چاپ قاسم صافی، ۱۳۵۷ ش.
۵۰. شفا، شجاع‌الدین، *تولدی دیگر*، تهران، نشر فرزاد، ۱۳۷۸ ش.
۵۱. شهبازی، عبدالله، *نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی، و تاریخ‌نگاری جدید در ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چ ۱، ۱۳۷۷ ش.
۵۲. شهردان، رشید، *فرزندگان زرتشتی*، تهران، نشریه سازمان جوانان زرتشتی، ۱۳۳۰ ش.
۵۳. صارمی، علی‌اکبر و تقی رادمرد، *ارزش‌های پایدار در معماری ایران*، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.

۵۴. صدری افشار، غلامحسین، «نقد کتاب خاطرات ارباب کی خسرو»، *ماهنامه چیستا*، ش ۲۰۴ و ۲۰۵، دی و بهمن ۱۳۸۲ ش.
۵۵. صدیق، عیسی، *تاریخ و فرهنگ ایران*، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۶ ش.
۵۶. رضازاده شفق، صادق، *تاریخ ادبیات ایران برای دبیرستانها*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲ ش.
۵۷. ضرابی، عبدالرحیم، *تاریخ کاشان*، تهران، امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۷۸ ش.
۵۸. طلوعی، محمود، *بازیگران عصر پهلوی*، تهران، علم، ۱۳۷۳ ش.
۵۹. فراهانی، حسن، *روزشمار تاریخ ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چ ۱، ۱۳۸۵ ش.
۶۰. فرخ، سیدمهدی، *تاریخ سیاسی افغانستان*، تهران، احسانی، ۱۳۷۱ ش.
۶۱. فردوست، حسین، *ظهور و سقوط پهلوی*، تهران، اطلاعات، چ ۶، ۱۳۷۳ ش.
۶۲. فره‌وشی، بهرام، *جهان فروری*، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۸۸ ش.
۶۳. فرمند، جلال، *خاطرات تقی‌زاده: مردی که زیاد می‌دانست*، نشریه تاریخ معاصر ایران، ش ۲۹، ص ۳۰۲-۲۴۵، بهار ۱۳۸۳ ش.
۶۴. فرهنگ مهر، «سخنرانی»، *هوخست*، س ۱۹، ش ۱۰، ج ۱، ص ۳۸، ۱۳۴۷ ش.
۶۵. فوران، جان، *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳ ش.
۶۶. قاجار، محمود میرزا با همکاری ملک ایرج و ملک منصور، *گلشن محمود*، سفیر ارده‌ال، چ ۱، ۱۳۹۴ ش.
۶۷. قائد، محمد، *میرزاده عشقی سیمای نجیب یک آنارشیست*، تهران، طرح نو، چ ۲، ۱۳۹۱ ش.
۶۸. قدیمی قیداری، عباس، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۳ ش.
۶۹. کرمانی، میرزا آقاخان، *صد خطابه*، به کوشش هارون وهومن، لوس آنجلس، شرکت کتاب، ۲۰۰۷ م.
۷۰. کرمانی، میرزا آقاخان، *آیین سکندری*، به کوشش علی اصغر حقدار، تهران، نشر چشمه، چ ۱، ۱۳۸۹ ش.
۷۱. کرمانی، میرزا آقاخان، *سه مکتوب*، به کوشش بهرام چوبینه، فرانکفورت، نیما، ۲۰۰۵ م.
۷۲. کسروی، احمد، *قیام شیخ محمد خیابانی*، با مقدمه همایون کاتوزیان، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶ ش.

نقش غرب‌گرایان در تقابل‌سازی فرهنگی ایران باستان و اسلام در روزگار معاصر □ ۱۷۱

۷۳. کلهر، مهدی و سید حسن تقی‌زاده، «باستان‌گرایی در تاریخ معاصر»، *فصلنامه یاد، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی*، ایران، ش ۱۲، سال سوم، پاییز ۱۳۶۷ ش.
۷۴. گرکه، اولریخ، *پیش به سوی شرق، ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول*، ترجمه پرویز صدری، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۷۷ ش.
۷۵. گوینو، کنت ژوزف آرتو، *سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، قطره، ۱۳۸۳ ش.
۷۶. گودوین، ویلیام، *هندوستان*، ترجمه فاطمه شاداب، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳ ش.
۷۷. محیط طباطبایی، محمد، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران، بعثت، چ ۲، ۱۳۷۵ ش.
۷۸. مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، تهران، زوار، ۱۳۶۰ ش.
۷۹. ملک‌زاده، مهدی، *زندگانی ملک المتکلمین*، تهران، اطلاعات، ۱۳۲۵ ش.
۸۰. منزوی احمد، *فهرست کتاب‌های فارسی*، تهران، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چ ۲، ۱۳۸۲ ش.
۸۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (جستارهایی از تاریخ معاصر ایران)*، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱ ش.
۸۲. مولوی، محمدعلی، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مدخل آخوندزاده*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۸۳. میرحمد صادقی، میمنت، «شناخت مکتب‌های ادبی»، *چیستا*، ش ۶۲، ۱۳۶۸ ش.
۸۴. ناطق، ناصح، *ایران از نگاه گوینو*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۴ ش.
۸۵. *نشریه کاوه*، سری اول، ج ۱، ش ۱، ۴، ۲۴، زانویه ۱۹۱۶.
۸۶. نوایی، عبدالحسین، «چگونه انجمن آثار ملی بنیاد گرفت؟»، *نامه انجمن*، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۰ ش.
۸۷. وزارت فرهنگ، *کتاب چهارم ابتدایی*، تهران، علمی، ۱۳۱۰ ش.
۸۸. وزارت فرهنگ، *جغرافیای پنج قطعه برای تدریس در سال ششم*، تهران، شرکت چاپخانه فرهنگ، چ ۶، ۱۳۱۶ ش.
۸۹. وهومن، هارون، *سفرنامه‌های خطی فارسی*، تهران، نشر اختران، چ ۱، ۱۳۸۸ ش.
۹۰. هدایت، صادق، *پروین دختر ساسان*، تهران، امیرکبیر، چ ۳، ۱۹۶۳ م.
۹۱. هنرفر، لطف‌الله، *اصفهان*، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چ ۴، ۱۳۸۶ ش.

۱۷۲ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۴، بهار ۱۴۰۲، ش ۵۰

۹۲. هینل، ژهن، «پارسیان - بمبئی، دولت بریتانیا»، ترجمه رشید شهردان، **فروهر**، سال ۴۲، ش ۴۲۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۶.

۹۳. هویان، آندرانیک، «سالن نمایش زرتشتیان و تئاتر سیروس»، **تئاتر**، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۶۹ ش.

۹۴. یغمایی، حبیب، «وفات سیف آزاد»، **مجله یغما**، س ۲۴، شهریور ۱۳۵۰ ش.

۹۵. یونسی، میلاد و شیرازی، علی اصغر، «تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ش ۴، تابستان ۱۳۹۰ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی